

بینش‌های نظری دربارهٔ جامعه‌شناسی ترجمه

محمد فاضلی^۱

چکیده

ترجمه کتاب یکی از مهم‌ترین صورت‌های آفرینش و بازتولید فرهنگی است و از همین رو در زمره موضوعات شایان توجه شاخه‌های مختلف علوم انسانی قرار دارد. تاکنون بیشتر از موضع آن دسته از علوم انسانی که با متن سر و کار دارند به ترجمه پرداخته شده است. از این موضع، مقولاتی نظیر ترجمه‌پذیری، صحت ترجمه، معادل‌گذاری، هرمنوتیک و نظام‌های انتقال معانی بین زبان‌ها بیشتر اهمیت دارند. مقاله حاضر تلاشی برای فراتر رفتن از مسئله متن است و می‌کوشد تا از سه دیدگاه نظری مطالعات ترجمه، جامعه‌شناسی فرهنگ و جامعه‌شناسی علم، ترجمه را همچون کنشی اجتماعی که با مقولات فعالیت و مصرف فرهنگی، مقاومت سیاسی-اجتماعی و رقابت در میدان علم مرتبط است نشان دهد و حد و مرزهای پژوهش جامعه‌شناختی درباره ترجمه را شناسایی نماید. با توجه به فقدان چنین دیدگاهی در جامعه‌شناسی ایران، می‌توان این مقاله را «طرحی برای جامعه‌شناسی ترجمه» دانست.

واژه‌های راهنما: ترجمه، مطالعات ترجمه، جامعه‌شناسی ترجمه، جامعه‌شناسی فرهنگ، جامعه‌شناسی علم.

۱. طرح مسئله

ترجمه یکی از پدیده‌های مهم دنیای جدید است که البته تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری نیز از زمان پیدایش آن داشته است. نهضت‌های ترجمه سبب تغییرات فرهنگی گسترده‌ای در تمدن‌های مختلف شده‌اند و امروز نیز کماکان این تأثیرات از پدیده ترجمه ناشی می‌شود.

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران. پست الکترونیک: m.fazeli@umz.ac.ir

اهمیت پدیده ترجمه به حدی است که بسیاری رشته‌های علوم انسانی از موضع خود به طرح سؤال درباره آن پرداخته‌اند. زبان‌شناسان بیش از همه درباره ترجمه نظریه‌پردازی کرده‌اند، ولی علاوه بر ایشان، فیلسوفان، اصحاب هرمنوتیک، متخصصان ادبی و برخی از مواضع نظری دیگر درباره ترجمه نظریه‌پردازی کرده‌اند.

جامعه‌شناسی در میان بقیه علوم انسانی سهم اندکی در نظریه‌پردازی درباره ترجمه داشته است (Heilborn, 1999, P. 429). با این حال، گستره پدیده ترجمه و تأثیرات آن به حدی است که جامعه‌شناسی نمی‌تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد و به علاوه قادر است سؤالات متعددی در خصوص پدیده ترجمه طرح کند. می‌توان درباره ترجمه به مثابه پدیده‌ای اجتماعی پرسش کرد. این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که مواضع ادبی، هرمنوتیکی و زبان‌شناختی، بیشتر از منظر محتوا، روش، مهارت‌ها، رابطه زبان مبدأ و مقصد، قابلیت‌های زبان و ترجمه‌پذیری درباره ترجمه تأمل کرده‌اند و ترجمه بیشتر کنشی فردی از سوی مترجم تلقی شده است. این نوع نگرش فردگرایانه و ناظر بر محتوای ترجمه ما را از تأمل درباره سؤالاتی که می‌توانند به اندازه سؤالاتی که تاکنون مطرح شده‌اند مهم هستند باز دارند. می‌توانیم درباره اینکه مترجمان چگونه متون را برای ترجمه برمی‌گزینند پرسش کنیم. گزینش یک متن برای ترجمه به مانند هر گزینش دیگری - شاید به همان اندازه که انتخاب یک فیلم برای دیدن یا گزینش یک قطعه موسیقی برای شنیدن، تابع متغیرهای جامعه‌شناختی و موضوعی برای پژوهش اجتماعی است - می‌تواند مسأله‌ای جامعه‌شناختی و البته متأثر از متغیرهای فردی و تأثیر ساختارهای اجتماعی تلقی شود.

جامعه‌شناسی قادر است از موضع رابطه بین جنبش‌ها یا حتی گفتمان‌های اجتماعی با ترجمه متون نیز درباره ترجمه کنکاش کند و تحلیل رابطه‌های تعاملی میان ترجمه‌ها و پدیده‌های اجتماعی، می‌تواند موضوعی مناقشه‌برانگیز نیز باشد. گفتمان‌ها و جنبش‌ها تا چه اندازه در شکل دادن به ترجمه‌ها نقش دارند و ترجمه‌ها چگونه در خدمت جنبش‌ها و گفتمان‌ها قرار می‌گیرند؟ در ضمن، ترجمه‌ها نه تنها بر گفتمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی مؤثرند بلکه بر شیوه‌های اندیشیدن و جریان پیشرفت دانش در یک کشور نیز تأثیرگذار هستند. بالاخص جریان‌های آکادمیک به شدت تحت تأثیر ترجمه آثار قرار دارند و از همین رو می‌توان درباره تأثیرپذیری دانشگاه و جریان تولید دانش از ترجمه نیز پرسش‌هایی جامعه‌شناختی طرح کرد.

جامعه‌شناسی می‌تواند از موضوع ترجمه فراتر و درباره مترجمان نیز سؤالاتی طرح کند. مترجمان در رده کلی اهل دانش قرار می‌گیرند و می‌توانسته‌اند به عوض آن که وقت خود را برای ترجمه صرف کنند، محقق شدن یا صرف وقت برای مؤلف شدن را برگزینند - و البته برخی هر دو را

انجام داده‌اند. چرا مترجمان دست به ترجمه می‌زنند؟ چرا برخی مترجم یک حوزه تخصصی و برخی مترجمان آثار پراکنده می‌شوند؟ مترجمان چگونه تحت تأثیر بنگاه‌های نشر قرار می‌گیرند؟ نظام ارتباطی میان مترجمان، بازار نشر و مخاطبان، چگونه بر جریان ترجمه تأثیر می‌گذارد؟

سؤالات فوق، الزام پرداختن به نگاهی جامعه‌شناختی به ترجمه را یادآور می‌شوند. اما مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد نظریه منسجمی درباره جامعه‌شناسی ترجمه وجود ندارد. ما در این مقاله استدلال می‌کنیم که جامعه‌شناسی و برخی حوزه‌های مطالعاتی علوم انسانی قادرند راهی برای صورت‌بندی دقیق‌تر سؤالات جامعه‌شناختی درباره ترجمه ارائه کنند و به پژوهش تجربی درباره ترجمه جهت بدهند. ترکیبی از ایده‌های مندرج در مطالعات ترجمه - که احتمالاً منسجم‌ترین حوزه پژوهشی علوم انسانی درباره ترجمه نیز هست؛ جامعه‌شناسی فرهنگ و جامعه‌شناسی علم را می‌توان به کار گرفت و دیدگاه نظری نظام‌مندتری برای پژوهش جامعه‌شناختی درباره ترجمه ایجاد کرد.

همچنین لزوم پرداختن به نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی درباره ترجمه در شرایط فعلی جامعه ایران که کتب بسیاری در همه علوم از زبان‌های خارجی به زبان فارسی ترجمه می‌شوند، ضروری است. پرداختن به جامعه‌شناسی ترجمه هم از موضع علمی و برای سامان دادن به پژوهش‌های تجربی درباره ترجمه ضرورت دارد، و هم از موضعی کاربردی و حتی سیاست‌گذاری حائز اهمیت است. اهمیت ترجمه از موضع عملی و سیاست‌گذاری از آن جهت است که نشر متون ترجمه فعالیتی فرهنگی است و همچون هر فعالیت فرهنگی دیگری - تولید فیلم یا موسیقی - می‌تواند موضوعی برای سیاست‌گذاری باشد.

مقاله حاضر در زمره اولین تلاش‌ها برای بنیان نهادن نگاهی جامعه‌شناختی به ترجمه در زبان فارسی است و می‌کوشد تا با تلفیق نظری دیدگاه‌هایی برگرفته از مطالعات ترجمه، جامعه‌شناسی فرهنگ و جامعه‌شناسی علم، در درجه اول مشوقی برای نگاه جامعه‌شناختی به ترجمه، و سپس راهی برای سازمان دادن پژوهش‌های تجربی بیشتر درباره ترجمه باشد.

۲. مطالعات ترجمه

مطالعات ترجمه عنوانی برای مجموعه‌ای از پژوهش‌ها درباره ترجمه است که از زمان انجام شدن اولین ترجمه‌ها در تاریخ انسان وجود داشته، اما رشته‌ای دانشگاهی با این عنوان از اواسط دهه ۱۹۷۰ شکل گرفته است. تاریخ ابتدایی این رشته «... از سیسرون تا قرن بیستم بر حول این بحث شکل گرفته است که ترجمه باید کلمه به کلمه یا معنا به معنا باشد ... بحث درباره ترجمه انجیل و

بقیه متون دینی برای هزاران سال در مرکز نظریه ترجمه قرار داشته است» (Munday, P. 33). بعد از ورود به قرن بیستم و سرآمدن دوران ترجمه کلاسیک، اصلی‌ترین سؤالات در نظریه ترجمه راجع به «معنا» و «معادل» در ترجمه بودند. یاکوبسون و نایدا مدعی شدند که ترجمه باید تأثیری مشابه تأثیر متن در زبان مبدأ، در زبان مقصد ایجاد کند. نایدا به طور خاص از بحث مقابله کلمه به کلمه متن اصلی و ترجمه دور شد و بحث ترجمه آزاد را مطرح کرد (P. 53).

هولمز که وی را تعریف کننده رشته مطالعات ترجمه می‌پندارند، دو هدف برای مطالعات ترجمه تعریف کرده است: ۱- توصیف پدیده ترجمه کردن و ترجمه‌ها، آن‌چنان که در دنیای ترجمه به چشم می‌آیند؛ ۲- بنیاد نهادن اصول کلی‌ای که با استفاده از آنها بتوان این پدیده را تشریح، تبیین و پیش‌بینی کرد (Holmes, P. 176). بر همین اساس مطالعات توصیفی و نظری ترجمه پدید آمده‌اند. مطالعات توصیفی به توصیف ترجمه‌های موجود می‌پردازند. البته مطالعات توصیفی معطوف به کارکرد (Function-Oriented) نیز وجود دارند که هدف آن‌ها توصیف کردن ترجمه‌ها در مقام کارکردهای‌شان برای یک وضعیت اجتماعی و فرهنگی است. هولمز به شاخه‌ای دیگر از مطالعات ترجمه که آن را فرایندگرا (Process-Oriented) نیز می‌نامد معتقد است. این حوزه را که می‌توان روان‌شناسی ترجمه نیز خواند، به بررسی فرایند ذهنی مترجم به هنگام ترجمه کردن می‌پردازد.

هولمز سه کاربرد برای مطالعات ترجمه قائل است. در نظر وی مطالعات ترجمه اولاً می‌تواند ابزاری برای تدریس زبان خارجی و تربیت مترجم باشد. ثانياً، مطالعات ترجمه می‌تواند در خدمت بررسی و ایجاد سیاست ترجمه قرار گیرد. در این زمینه، محقق به مطالعه نقش ترجمه، مترجم و ترجمه‌ها در جامعه می‌پردازد و نتایجی می‌گیرد که می‌تواند در خدمت پاسخ گفتن به این سؤالات قرار گیرد: ۱- در جامعه چه چیزی باید ترجمه شود؟ جایگاه اجتماعی مترجم چیست و باید چگونه باشد؟ ترجمه باید چه نقشی در جامعه ایفا کند؟ و در نهایت سومین بعد کاربردی مطالعات ترجمه، به دست دادن ابزاری برای نقد ترجمه‌های موجود است.

اصلی‌ترین ویژگی مطالعات ترجمه تا دو دهه پایانی قرن بیستم، تأکید بر متن است. متن اصلی و متن ترجمه شده و بررسی‌های غالباً زبان‌شناختی، نقطه تمرکز مطالعات ترجمه در این دوران است. همه این‌گونه مباحث بر حول محور واژه «معادل» (equivalence) دور می‌زنند. معادل بودن متن اصلی و متن ترجمه شده به معنای دقت، کفایت، صحت، وفاداری یا هویت ترجمه است. اما چنان‌که ونوتی معتقد است، تاریخ مطالعات ترجمه میان دو چیز تقسیم شده است: معادل و کارکرد. معادل بودن شاخصی از میزان ارتباط متن اصلی و متن ترجمه شده است؛ اما کارکرد

عبارت است از پتانسیل متن ترجمه شده برای ایجاد اثرات؛ اثراتی که از مبادله اطلاعات و تولید پاسخی قابل مقایسه با تأثیرات ایجاد شده در فرهنگ متن اصلی آغاز می‌شود (Venuti, P. 5). تاریخ مطالعات ترجمه، تاریخ پررنگ شدن بررسی کارکرد ترجمه است. بسنت و لوفور معتقدند که مطالعات ترجمه تاکنون از کلمه به متن حرکت کرده است و از آن فراتر نرفته، اما ایشان به آنچه که مری اسنل-هورنبای چرخش فرهنگی می‌خواند و عبارت است از حرکت از «ترجمه به مثابه متن» به سوی «ترجمه به مثابه فرهنگ و سیاست» اعتقاد دارند. چرخش فرهنگی در مطالعات ترجمه عبارت است از «... فراتر رفتن از زبان و تأکید کردن بر تعامل میان ترجمه و فرهنگ و شیوه‌ای که بدان طریق فرهنگ بر ترجمه تأثیر گذارده و آن را محدود می‌کند» (Munday, P. 126).

نگاه به کارکرد ترجمه محصول جدی گرفتن دومین پیش‌فرض مطالعات ترجمه است. در مطالعات ترجمه اولاً فرض می‌شود که زبان ابزار ارتباط است. از همین‌رو واقع‌نمایی ارتباط، دقت و صحت ارتباط (بحث معادل بودن ترجمه) و مباحثی این چنینی مطرح می‌شوند. اما پیش‌فرض دوم این است که زبان به مثابه تفسیر کننده، سازنده اندیشه و معنا و شکل دهنده به واقعیت و تحت تأثیر موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی است. جدی گرفتن همین پیش‌فرض دوم است که می‌تواند راهگشای رسیدن به جامعه‌شناسی ترجمه باشد.

تحول پدید آمده در مطالعات ترجمه و تأکید کردن بر کارکرد ترجمه، محصول دهه ۱۹۹۰ است. ونوتی معتقد است که در این دهه مطالعه میان‌رشته‌ای ترجمه که ترکیبی از نظریه و نقد ادبی، نقد فیلم و انسان‌شناسی است در مطالعات ترجمه بروز می‌کند و کارکردگرایی را به ترجمه باز می‌گرداند. این تحول به معنای توجه کردن به اثرات اجتماعی ترجمه و عواقب اخلاقی و سیاسی آن است. مطالعه‌ای که تعهد سیاسی نیز دارد (Venuti, P. 333). این‌گونه مطالعات بر دو امر تأکید می‌کنند: ۱- ترجمه به مثابه پدیدآورنده ایدئولوژی‌های مختلف از جمله ملی‌گرایی و ایدئولوژی جنبش‌های اجتماعی؛ ۲- نقش ترجمه در شکل دادن به هویت‌ها، هویت‌هایی که وجوه نژادی، جنسیتی و طبقاتی داشته‌اند. موندی به بیانی دیگر چنین مطالعاتی را نمود وارد شدن تحلیل گفتمان در عرصه مطالعات ترجمه می‌داند (Munday, P. 105). یکی از نمودهای چنین گرایشاتی در مطالعات ترجمه، پژوهش‌های نیرانجانا است (Niranjana, 1992). وی ترجمه متون ادبی را یکی از گفتمان‌هایی می‌داند که ابزارهای هژمونیک متعلق به ساختار ایدئولوژیک حاکمیت استعماری را تغذیه می‌کند. البته وی به ترجمه متون کشورهای مستعمره به زبان کشورهای استعمارگر نظر دارد. خود وی نشان داده است که ترجمه متون هندی به زبان انگلیسی چگونه در خدمت ایستا، بدون تغییر و بی‌تاریخ نشان دادن فرهنگ هند بوده است. انجام چنین کاری زاییده

قدرت ترجمه است؛ در این برداشت ترجمه به مثابه امری ذاتاً دارای قدرت و نه ابزار قدرت مطرح است (Gouanvic, 2000: P. 102). نیرانجانا با توجه به ربط مقوله قدرت و ترجمه، سه غفلت بزرگ در مطالعات ترجمه را چنین برمی‌شمارد: ۱- مطالعات ترجمه تا همین اواخر به روابط نامتعادل قدرت میان زبان‌های مختلف توجه نکرده‌اند؛ ۲- همه نظریات بر نظریه بازنمایانه زبان اتکا دارند و زبان را بازنمایی واقعیت می‌دانند؛ ۳- عدم توجه به ارائه تصویری مفهومی از سلطه استعماری در گفتمان فلسفی غربی توسط فرایند ترجمه (Munday, P. 135).

مطالعات ترجمه تحت تأثیر یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های فکری معاصر، فمینیسم، نیز قرار گرفته است. نظریه فمینیستی، در بعد هنجاری، در پی آن است که از هر استراتژی ترجمه‌ای برای آشکار کردن صدای زنان استفاده کند؛ و استراتژی پژوهشی‌اش نیز کوشش برای آشکار کردن چگونگی مسکوت ماندن صدای زنان در فرایندها و مراحل مختلف ترجمه است.

بر اساس آنچه گفته شد، مطالعات ترجمه کنونی، ترجمه کردن را عملی کاملاً بی‌طرفانه ندانسته و تعامل قدرت و ایدئولوژی را در این امر مؤثر می‌داند. چنین پنداشتی اولین راه را برای پژوهشی جامعه‌شناختی درباره ترجمه می‌گشاید. سؤالی که از این منظر طرح می‌شود این است که ترجمه مولد و مولود کدام ایدئولوژی‌هاست؟ محصول کدام ساخت قدرت یا فاعل مبارزه با کدام قدرت است؟ هویت‌ها چگونه در ترجمه ساخته یا بازتولید می‌شوند؟ معانی متن در زبان مبدأ، چگونه در زبان مقصد بازتفسیر می‌شوند؟ و ترجمه در خدمت کدام گروه‌های اجتماعی است؟

اما راه دیگر را هایلبرون می‌گشاید (Heilbron, 1999). والرشاین از نظام جهانی اقتصاد و هایلبرون از نظام جهانی زبان‌ها سخن می‌گویند. در نظر والرشاین، جریان مواد خام و کالاهای ساخته شده میان سه دسته از کشورها سازنده نظام جهانی است. معدود کشورهای مرکز دارنده سرمایه، تولید کننده کالاهای ساخته شده‌ای که برای تولید آنها دستمزد زیادی پرداخته می‌شود و وارد کننده مواد خام ارزان قیمت از کشورهای پیرامونی هستند. کشورهای پیرامونی نیز صادر کننده مواد خام و وارد کننده کالاهای ساخته شده تلقی می‌گردند. کشورهای نیمه‌پیرامونی نیز موقعیتی بینابینی دارند. اما در نظام جهانی زبان‌ها، میزان ترجمه از زبان‌های مرکز به زبان‌های پیرامونی و نیمه پیرامونی، سازنده نظام جهانی است. به عبارتی جریان ترجمه جای جریان کالا و مواد خام را گرفته است. از یک منظر، نظام جهانی زبان‌ها به خودی خود ارزش جامعه‌شناختی چندانی ندارد، بلکه از آن جهت که نمود نظام جهانی فرهنگی (Cultural World-System) است اهمیت دارد. ترجمه به مثابه نمودی فرهنگی، موضوعی برای پژوهش درباره فرهنگ جهانی، مبادله بین‌المللی فرهنگ‌ها، و بررسی پدیده جهانی شدن فرهنگی است. هایلبرون چنین مطالعه‌ای را

جامعه‌شناسی ترجمه می‌خواند (Heilbron, P. 440). راهبردی که پیش‌تر توضیح داده شد، جامعه‌شناسی ترجمه را در درون واحدهای دولت-ملت تعریف می‌کند، و راهبرد هایلبرون، جامعه‌شناسی ترجمه را به مثابه بخشی از جامعه‌شناسی نظام جهانی فرهنگ در سطح فراملی تعریف می‌کند.

۳. جامعه‌شناسی فرهنگ

ترجمه آفرینش فرهنگی است، و جامعه‌شناسی فرهنگ مدعی است که «ارتباطات فرهنگ و آفرینش فرهنگی با سایر پدیده‌ها و عوامل اجتماعی را تحلیل» می‌کند (حریری اکبری، ص. ۱۴). اما می‌توان دامنهٔ جامعه‌شناسی فرهنگ را به عرصهٔ تحلیل توزیع و مصرف محصولات فرهنگی نیز بسط داد. اگرچه عرصه مصرف محصولات فرهنگی می‌تواند بخشی از جامعه‌شناسی مصرف نیز باشد. در اینجا بر اساس قرار دادن هر سه مقوله تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی در حیطه جامعه‌شناسی فرهنگ، می‌کوشیم تا راهی به سوی جامعه‌شناسی ترجمه بگشاییم.

بررسی ترجمه از منظر جامعه‌شناسی فرهنگ بدون لحاظ کردن ابعاد نهادی و ساختاری ترجمه ناممکن است. ابعاد نهادی از مرحله گزینش آثار برای ترجمه تا مصرف شدن اثر ترجمه شده را تحت تأثیر قرار می‌دهند و با توجه به شرایط هر کشوری تغییر می‌کنند. برای مثال، عضویت در پیمان مالکیت حقوق معنوی می‌تواند شرایطی برای ترجمه آثار پدید آورد که در کشوری مثل ایران که فعلاً عضو این پیمان نیست چنین شرایطی وجود ندارد. با در نظر داشتن این مسئله که در ایران مترجمان و ناشران آثار ترجمه شده غالباً برای ترجمه و انتشار آثار نیازمند به اجازه گرفتن از مؤلف یا ناشر متن اصلی نیستند، می‌توانیم فرض کنیم که عناصر زیر در فرایند تولید تا مصرف کتب ترجمه شده مؤثرند:

۱. مؤسسه یا فردی که نیاز به ترجمه را حس می‌کند،
۲. سازمان یا فردی که حمایت مالی از مترجم برای انجام دادن ترجمه را متقبل می‌شود،
۳. مترجم که مولد متن نهایی ترجمه است،
۴. نظام ممیزی کتاب که اجازه نشر ترجمه را صادر می‌کند،
۵. ناشر که انتشار متن ترجمه شده را انجام می‌دهد،
۶. شرکت‌های بخش کتاب که کتاب را توزیع می‌کنند،
۷. کتابفروشی‌ها یا توزیع‌کننده‌های سطح میانی که واسطه بین شرکت‌های بخش و مصرف‌کننده نهایی هستند،

۸. خواننده کتاب که مصرف‌کننده نهایی ترجمه است.

ظاهراً موارد ۶ و ۷ در کل فرایند ترجمه فقط جایگاه اقتصادی دارند. البته می‌توان از این منظر نگریست که عاملان بخش از توزیع کتب در برخی مناطق خودداری کنند، اما توزیع یا عدم آن در برخی مناطق تابعی از میزان تقاضاست و به مورد ۸ مربوط می‌شود. در طرح تحلیلی ما، به غیر از موارد ۶ و ۷، بقیه اجزاء نهادی ترجمه ارزش جامعه‌شناختی دارند.

محورهای ۱ و ۲ غالباً یکی هستند؛ به عبارتی، همان کسی که نیاز به ترجمه را احساس می‌کند غالباً حمایت مالی از آن را نیز انجام می‌دهد. در صورتی که فرد مترجم چنین نیازی را احساس کرده باشد یا شخصاً اقدام به ترجمه می‌کند یا می‌کوشد تا سازمان‌های دولتی یا خصوصی را به حمایت کردن از آن برانگیزد. در زمانی که احساس کننده نیاز به ترجمه فرد مترجم باشد، پژوهش جامعه‌شناختی درباره وی به معنای پرسش از چند چیز است: ۱- نیاز به ترجمه بر اساس چه فرایندی شکل گرفته است؟ نیاز به ترجمه چیزی است که ریشه آن در اثر برگزیده شده برای ترجمه است، یا از چیزی بیرون از متن برگزیده شده ناشی می‌شود؟ دسترسی به متن اصلی چگونه میسر شده است؟ و در نهایت ارائه گزاره‌هایی جامعه‌شناختی درباره مترجم، به معنای این است که نشان دهیم انگیزه‌های مترجمین برای ترجمه، شیوه دسترسی آنها به متون اصلی و معیارهای گزینش آنها از قاعده‌مندی‌هایی پیروی می‌کند که عامل اجتماعی تبیین‌کننده این قاعده‌مندی است.

اگر احساس نیاز به ترجمه آثار از سوی مؤسسه یا سازمانی صورت گرفته باشد، بررسی انگیزه‌های سازمانی، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت سازمان عرصه‌ای برای پژوهش جامعه‌شناختی هستند. طبیعی است که در این بررسی، خصوصی یا دولتی بودن سازمان‌ها، نوع کتب ترجمه شده، رابطه آنها با اهداف سازمان‌ها و نوع خدماتی که سازمان ارائه می‌کند قابل بررسی است. معیارهای احساس نیاز به ترجمه و فرایند تصمیم‌گیری درون‌سازمانی برای انتخاب آثار نیز قابل مطالعه است. به هر حال تحلیل آرایش نهادی جامعه و رابطه میان این آرایش نهادی و نهاد حامی ترجمه می‌تواند گزاره‌های جامعه‌شناسی مهمی درباره ترجمه به بار آورد.

نظام ممیزی کتاب در هر کشوری به نحوی وجود دارد و اگرچه میزان دموکراتیک عمل کردن نظام‌های ممیزی متفاوت است، لیکن ممیزی به نحوی در همه جا اعمال می‌شود. پژوهش احمد رجب‌زاده درباره ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵ در ایران نشان می‌دهد که ممیزی قادر است از طریق اعمال سانسور علیه برخی ژانرها، برخی موضوعات، برخی نویسندگان یا آثاری که بعضی مترجمان تولید می‌کنند، به روندهای ترجمه شکل دهد (رجب‌زاده، ۱۳۸۰). بررسی نظام ممیزی

می‌تواند به تحلیل تجربی ایدئولوژی نیز بدل شود (فاضلی، ۱۳۸۱) و از این طریق می‌توان از موضع راهی به سوی جامعه‌شناسی انتقادی ایدئولوژی گشود.

ناشران نیز به طرق مختلف بر ترجمه متون تأثیر می‌گذارند. سؤالات متعددی در خصوص رابطه ناشران و ترجمه متون قابل طرح است. آیا ناشران سیاست خاصی برای ترجمه متون دارند؟ اگر ناشران برای سفارش ترجمه اقدام می‌کنند، چگونه متون را برمی‌گزینند؟ اگر مترجمان آثار برگزیده خود را به ناشر معرفی می‌کنند، ناشر چگونه پیشنهاد آنها را ارزیابی می‌کند؟ کار ناشر همزمان با فعالیتی اقتصادی و فرهنگی است. بدین ترتیب این سؤال مطرح می‌شود که ناشر چگونه میان معیارهای اقتصادی نشر و مسئولیت یا علقه فرهنگی خود توازن برقرار می‌کند؟ آیا از میان آنها یکی را برمی‌گزیند؟ در کشوری نظیر ایران سیاست‌های دولتی نشر بر فرایند ترجمه و انتشار متون بسیار تأثیر می‌گذارند. از همین رو می‌توان واکنش‌های ناشران به اقدامات دولت و تأثیر آن بر ترجمه متون را نیز جزئی از بررسی جامعه‌شناختی دانست.

در نهایت مصرف‌کننده یا خواننده کتاب برای مطالعه جامعه‌شناختی حائز اهمیت است. در کلی‌ترین سطح، سؤال این است که چگونه بازار نشر به سلیقه خواننده شکل می‌دهد و چگونه بازار نشر و به‌طور خاص ترجمه کتب تحت تأثیر سلیقه‌های خوانندگان است؟ آیا می‌توان از رابطه‌ای دو سویه در این باره سخن گفت یا یکی از دو طرف بر دیگری تحمیل می‌شود؟ از زاویه نگاه جامعه‌شناسی مصرف فرهنگی، مهم این است که بدانیم چه گروه‌هایی، تحت تأثیر چه عواملی و با چه اهدافی ترجمه‌های منتشر شده را مصرف می‌کنند. اما جامعه‌شناسی ترجمه چیزی فراتر از این را طلب می‌کند و مدعی دانستن این نکته است که چگونه مصرف آثار ترجمه شده به بازتولید محصولات فرهنگی موجود یا تغییر آنها کمک می‌کند.

برای پاسخ گفتن به انبوه پرسش‌هایی که درباره اجزاء مختلف نهاد ترجمه طرح شد، چارچوب‌های نظری‌ای موجود است که البته درباره برخی از اجزاء شش‌گانه بحث شده هستند. به نظر می‌رسد که طرحی نظری درباره سازوکار عمل ناشران یا نظام‌های ممیزی در دست نیست. این دو عرصه بیشتر از طریق داده‌های تجربی قابل مطالعه هستند. اما درخصوص کنش ترجمه و مترجمان و همچنین مصرف آثار ترجمه شده (به عنوان بخشی از کلیت مصرف فرهنگی) نظریه‌پردازی بیشتری صورت گرفته است.

به تبعیت از توری (Tory, 2000) می‌پذیریم که مترجم بودن بیش از هر چیز به معنای قادر بودن بر ایفای نقشی اجتماعی است (P. 198). فراگرفتن مجموعه‌ای از هنجارهای مناسب که رفتار این نقش را متناسب ساخته و مترجم را قادر می‌سازند تا در محیط فرهنگی خود مانور کند. دو

منبع برای شناخت این هنجارها وجود دارد: ۱- منابع متنی: بررسی منابع ترجمه شده به قصد شناخت هنجارهایی که عمل مترجمان را شکل داده‌اند؛ ۲- منابع فرامتنی: گفته‌های مترجمان، ویراستاران، ناشران، برداشت‌های انتقادی منتقدان از متون ترجمه شده و فعالیت مکتب‌های ترجمه (P. 207). شاید مهم‌ترین این هنجارها همان‌هایی باشند که توری هنجارهای اولیه می‌خواند. هنجارهای اولیه شامل دو دسته است که دسته اول سیاست ترجمه را تعیین می‌کنند و دسته دوم جهت ترجمه را نشان می‌دهد. منظور از سیاست ترجمه مجموعه عواملی است که نهایتاً به انتخاب نوع متن برای ترجمه می‌انجامد. این سیاست زمانی وجود خارجی دارد که انتخاب متون تصادفی نباشد. اگرچه توری فقط بر بررسی سیاست ترجمه تأکید می‌کند اما فقدان سیاست ترجمه نیز به اندازه حضور آن ارزش جامعه‌شناختی دارد. اما دسته دوم که جهت ترجمه را تعیین می‌کند، مشخص کننده این است که ترجمه از چه زبان‌هایی، چه نوع متونی و از چه دوره‌های زمانی‌ای قابل قبول، قابل تحمل است یا از آن حمایت می‌شود. هنجارهای مترجمان در درجه اول زبان‌شناختی یا ادبی به نظر می‌رسند اما برای تحلیل جامعه‌شناختی آن بخش از هنجارهای ترجمه که بر ارزش‌ها، باورها یا بازنمایی‌های اجتماعی حامل نیروهای ایدئولوژیک تکیه دارند، حائز اهمیت است.

هنجارهای ترجمه در جریان فرایند اجتماعی شدن آموخته و درونی می‌شوند. اجتماعی شدن مترجمان در سطوح مختلف قابل مطالعه است. در برخی از حوزه‌های ترجمه می‌توان هنجارهای مترجمان را بر مبنای تعامل گروهی آنها و الزامات ناشی از «در گروه مترجمان بودن» تبیین کرد. غالباً ترجمه متون ادبی از چنین قاعده‌ای پیروی می‌کند. اما برای شناخت هنجارهای مترجمان در عرصه‌های دیگر، نظریه جامعه‌شناختی پیر بوردیو و جامعه‌شناسی علم کفایت بیشتری دارند. سهم جامعه‌شناسی علم در این عرصه را در بخش بعد بررسی می‌کنیم اما در اینجا به اختصار به تطبیق ایده‌های بوردیو با مسئله هنجارهای ترجمه خواهیم پرداخت.

۳-۱. بوردیو و جامعه‌شناسی فرهنگ

سرمایه (Capital)، منش (Habitus) و میدان (Field) سه مفهوم اساسی نظریه بوردیو هستند. مارکس به یک نوع منش ناپرابری باور داشت: نابرابری اقتصادی. اما بوردیو فضای اجتماعی را با ترسیم چند محور تصویر می‌کند: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی. وی در مقاله «انواع سرمایه» هر یک از انواع سرمایه را تعریف می‌کند. سرمایه اقتصادی شامل درآمد و بقیه انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند. سرمایه فرهنگی

دربگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در وی انباشته می‌شوند. بوردیو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌دانست لیکن گرایش به اشیاء فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد را نیز سرمایه فرهنگی می‌خواند. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت دادن، تعریف کردن، ارزش گذاردن یا سبک ساختن در میدان فرهنگ است. سرمایه اجتماعی نیز شامل همه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید (Anheier et al, P. 862).

جامعه در نظر بوردیو با عنوان فضای اجتماعی (Social space) بازنمایی می‌شود. این فضای اجتماعی که جایگاه رقابتی شدید و بی‌پایان است و در جریان این رقابت‌ها تفاوت‌هایی ظهور می‌کند که ماده و چارچوب لازم برای هستی اجتماعی را فراهم می‌آورند (واکو و انت، ص. ۳۳۰) موجودیتی غیریکپارچه است که در آن مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات و اشکال قدرت وجود دارد (ص. ۳۳۶). این مدل‌های کوچک متمایز، میدان خوانده می‌شوند. میدان، گستره‌ای از نوع خاصی از اعمال است (Warde, et al, P. 3)، نظیر میدان سیاسی یا میدان علمی. میدان، فضای روابط میان کنشگران و محل منازعه بر سر کسب سرمایه است. پایگاه‌ها در درون هر میدان بر اساس میزان سرمایه اختصاص یافته به هر فرد تعیین می‌شود.

بوردیو در کتاب الجزایری‌ها که در سال ۱۹۷۹ منتشر شد، منش را «نظامی از تمایلات (Dispositions) بادوام و قابل انتقال که به عنوان مولد اعمال ساخت یافته و به شکل عینی مجسم شده، عمل می‌کند» (Mahar, et al: P. 10) تعریف کرد. در همان‌جا وی متذکر شده است که منش محصول تعامل ساختارهای عینی و تاریخ شخصی است. وی تعریف کامل‌تری از این مفهوم را در کتاب *طرحی از نظریه عمل* (Bourdieu, 1977) ارائه کرده است:

ساختارهایی که سازنده محیطی خاص هستند (مثلاً شرایط مادی وجود که مشخصه شرایط طبقاتی‌اند) منش را تولید می‌کنند. منش یعنی نظام‌هایی از تمایلات بادوام و قابل تغییر و قابل انتقال؛ ساختارهای ساختاردهنده‌ای که استعداد آن را دارند تا به مثابه ساختارهای ساختاردهنده عمل کنند، به عبارتی، همچون اصول تولید و ساختاردهی کردارها و بازنمایی‌هایی که می‌توانند به صورت عینی «قاعده‌مند» و «قاعده» شده بدون آنکه حاصل تبعیت از قواعد باشند، به صورت عینی با برخی اهداف منطبق شوند بدون آنکه از ابتدا یا آگاهانه به سوی اهدافی یا صورتی از اعمال لازم برای وصول به آن اهداف، نشانه گرفته شوند؛ و علاوه بر همه این‌ها، بدون آن‌که عمل جمعی تحت رهبری یک رهبر باشد، به صورت جمعی هماهنگ شده هستند. (P. 72)

منش به مثابه نقشه شناختی فرد عمل می‌کند و در سطحی میان خودآگاه و ناخودآگاه قرار دارد.

منش به واسطه پرورش خانوادگی، تحصیلات و زیستن عملی در جامعه ایجاد می‌شود. خود بوردیو بر خصیصه طبقاتی منش بسیار تأکید می‌کرد. مفهوم منش در نزد بوردیو، با آنچه که گیدنز «خرد عملی» (Practical Consciousness) می‌خواند قابل مقایسه است.

به نظر بوردیو انسان‌ها در عرصه فرهنگ همواره با استفاده از کالاهای فرهنگی خاص میزان سرمایه فرهنگی خود را نشان می‌دهند و برای کسب سرمایه بیشتر - از انواع سه‌گانه - منازعه می‌کنند. بر طبق این مدل نظری، می‌توان گفت که گزینش متون برای ترجمه محصول منش مترجمان است. «منش مترجم تمایلات پایدار و قابل انتقال ناشی از تجربه جامعه‌پذیری وی است» (Gouanvic, 1999: P. 95). این منش حاصل پرورش در میدان‌های مختلف است. میدان روشنفکری، علم و حتی سیاست می‌توانند در شکل دادن به منش‌های مترجمان مؤثر باشند. به این ترتیب با شکل‌گیری منشی خاص، گزینش متون برای ترجمه در سطحی میان خودآگاهی و ناخودآگاهی صورت می‌گیرد. این گزینش می‌تواند در راستای تلاش مترجمان برای نشان دادن میزان سرمایه فرهنگی خود در میدان تفکر یا علم باشد. به کارگیری نظریه منش برای تبیین تولید فرهنگی می‌تواند توضیح دهنده چگونگی هم‌نو شدن مترجمان با جریان‌های اجتماعی و تأثیرات آنها بر ترجمه نیز باشد.

بروز برخی جریان‌های ترجمه را می‌توان به کمک بخش دیگری از اندیشه بوردیو تبیین کرد. وی در کتاب تمایز (Bourdieu, 1984) استدلال کرده بود که مصرف فرهنگی طبقات بالا مبتنی بر منش طبقاتی ایشان و به قصد متمایز ساختن خود از دیگران است. در بحث ترجمه نمی‌توان به صراحت از تمایز طبقاتی سخن گفت، اما می‌توان ترجمه را به مثابه سازوکاری برای متمایز ساختن خود در میدان فرهنگ یا علم در نظر گرفت، بالاخص انواعی از متون که می‌توانند مشروعیت گفتمانی و پرستیژ فرهنگی برای مترجم فراهم آورند با چنین نظریه‌ای همخوانی دارند.

۳-۲. مصرف آثار ترجمه

پیش‌تر گفته شد که برای تحلیل کنش ترجمه توسط مترجمان و مصرف آنها از سوی خوانندگان نظریه‌های بیشتری در دست داریم. در اینجا به بررسی خلاصه چند نظرگاه که می‌توانند فرضیه‌های قابل بررسی ارائه کنند می‌پردازیم.

اولین دیدگاه به نظریه بوردیو مربوط می‌شود. منش خواننده، منازعه وی برای کسب سرمایه فرهنگی یا نشان دادن آن، و قصد وی برای ایجاد تمایز می‌تواند تبیینی برای خواندن برخی آثار ترجمه شده از سوی بعضی خوانندگان باشند.

دومین دیدگاه ناظر است بر چگونگی درونی کردن ویژگی‌های گروه‌های مرجع بیرون از مرزهای ملی از طریق مصرف کردن محصولات فرهنگی‌ای که به نحوی مرتبط با آنها هستند. این امر به معنای قائل شدن نوعی مشروعیت و حتی برتری اندیشه‌های تولید شده به زبان‌های دیگر در مقابل اندیشه‌های بومی نیز هست.

سومین دیدگاه که اهمیت بسیاری نیز دارد، دال بر تدبیر ناخودآگاه هماهنگ شده مترجم و خوانندگانش برای در پیش گرفتن «سیاست مقاومت» است. این پدیده در میان ملت‌هایی که حکومت آنها تولید اولیه برخی اندیشه‌ها از سوی اندیشمندان محلی را تحمل نمی‌کند، بیان مستقیم اندیشه‌ها مجاز نیست، یا سخن‌گویان محلی از مشروعیت لازم برای گفتن برخوردار نیستند، به کار گرفته می‌شود. مصرف کننده آثار نیز بدین وسیله نوعی سیاست مقاومت غیرمستقیم در برابر قدرت را در پیش می‌گیرد یا به‌طور غیرمستقیم با برخی ارزش‌ها و باورهای حاکم از طریق اندیشه‌های ترجمه در می‌افتد. در حد یک فرضیه می‌توان به این مسئله پرداخت که آیا روی آوردن به برخی کتب نظیر آثار ملهم از پست‌مدرنیسم می‌تواند نوعی سیاست مقاومت باشد یا خیر. به عنوان دیدگاه چهارم می‌توان این نظر مرتبط با دیدگاه سوم را طرح کرد که مصرف برخی آثار ترجمه شده، تلاش برای شکل دادن به هویتی است که در تعارض با هویت فعلی تعریف می‌شود. در ضمن، سخن‌گویان داخلی نیز برای سخن گفتن از هویت‌های جدید مشروعیت لازم را ندارند.

۳-۳. سهم جامعه‌شناسی فرهنگ در جامعه‌شناسی ترجمه

لوسین گلدمن آفرینش فرهنگی را عملی جمعی در طول تاریخ می‌شناخت و کلیه افراد دست‌اندرکار نظیر گروه‌ها، سازمان‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی را فاعل آفرینش فرهنگی معرفی می‌کرد (حریری اکبری، ص. ۱۸). جامعه‌شناسی فرهنگ بدان‌گونه که در اینجا مطرح شد می‌تواند عرصه‌ای برای مطالعه سهم جمیع فاعلان دخیل در ترجمه باشد. الگوی تحلیلی ارائه شده که هشت محور دارد می‌تواند طرحی برای مطالعه جداگانه هر محور و در نهایت ترکیب نتایج پیش رو نهد. به علاوه راه برای نظریه‌پردازی درباره هر یک از محورها باز است. البته بی‌گمان راهی برای بسط دادن این الگو وجود دارد. می‌توان دولت‌ها و سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی آنها را نیز وارد مدل کرد و نقش سازمان‌هایی را نظیر فرهنگستان‌ها در جریان ترجمه نیز مطالعه کرد.

محقق کردن همه اینها فقط به معنای لحاظ کردن بعد ایستای مسئله است. می‌توان تمام سؤالاتی را که درباره اجزاء شش‌گانه نهاد ترجمه مطرح شد در قالب تحولاتشان بررسی کرد. برای مثال

می‌توان از تحول نسل مترجمان و ناشران در طول زمان، پیدا شدن معیارها و منش‌های جدید در ترجمه، و تحول سلیقه‌ها و انگیزه‌های خوانندگان برای مصرف آثار ترجمه شده پرسش کرد. همان‌گونه که جامعه‌شناسی ترجمه به شیوه‌ای که هایلبرون تعریف می‌کند قادر است تحول نظام جهانی فرهنگ را بررسی کند، بررسی تحولات تاریخی نهاد ترجمه و اجزاء آن در درون واحد ملی می‌تواند شاخصی برای روندنمایی تحولات فرهنگی درون یک کشور باشد.

۴. جامعه‌شناسی علم

قطعاً بررسی نقش ترجمه کتب به زبان‌های مختلف و تأثیری که بر گسترش علم در محدوده‌های جغرافیایی و زبانی داشته‌اند، موضوع جدیدی در زمینه جامعه‌شناسی علم نیست. اما جامعه‌شناسی علم نیز می‌تواند در خدمت بسط و گسترش جامعه‌شناسی ترجمه قرار گیرد. دو بحث کلی از جامعه‌شناسی علم را می‌توان در راستای پژوهش جامعه‌شناختی درباره ترجمه به کار گرفت. اولین بحث، نظام قشربندی در علوم است. قشربندی عالمان در عرصه علم منبعی برای رسیدن به پاداش‌هاست. این پاداش‌ها جوانب مادی یا معنوی دارد. به عقیده هگستروم، مورد تقدیر قرار گرفتن در اجتماع علمی، اساس رقابت میان اعضای جامعه علمی برای اشغال کردن پایگاه‌ها در نظام قشربندی علوم است (Hagstrom, 1975). طرح کردن ایده‌های نو به نحوی که دیگران آنها را ارزشمند بشمارند و بستانند منبعی برای رقابت میان اعضای اجتماع علمی است. تحت شرایطی - که شناخت این شرایط منوط به پژوهش تجربی است و به شرایط علمی هر واحد ملی بستگی تام دارد - مترجم برخی ایده‌ها بودن می‌تواند معیاری برای شهرت علمی و مورد تقدیر قرار گرفتن باشد. شناختن همین شرایط ریشه تبیین جامعه‌شناختی ترجمه شدن برخی آثار است. البته در کنار مسئله مورد تقدیر قرار گرفتن برای کسانی که در درون ساختار آکادمیک قرار دارند، گاهی افرادی در بیرون از اجتماع علمی یا نظام آکادمیک، برای آنکه مشروعیت کافی جهت ورود به اجتماع علمی یا نظام آکادمیک پیدا کنند از ترجمه کردن متون استفاده می‌کنند. به هر حال، بررسی شرایطی که چنین پدیده‌هایی را سبب می‌شود اولین سهمی است که جامعه‌شناسی علم می‌تواند در ایجاد جامعه‌شناسی ترجمه داشته باشد.

نظام‌های آموزشی و تحقیقاتی ساختارهایی برای رشد یا افول علم پدید می‌آورند. بررسی نظام‌های آموزشی و تحقیقاتی و کارکردهای آنها نیز جزئی از جامعه‌شناسی علم است. باز هم تحت شرایطی نظام‌های آموزشی می‌توانند موجد افزایش یا کاهش میل به ترجمه متون باشند. اهمیت این ایده زمانی قوت می‌گیرد که توجه کنیم بخشی از مترجمان و بخش عمده‌ای از مصرف کنندگان متون

ترجمه در همین ساختارهای آموزشی حضور دارند. فقدان تولید علمی کافی در درون نظام آموزش و تحقیقات، فقدان مشروعیت عالمان این نظام برای قبولاندن ایده‌های خود و لزوم استناد به منابع فرهنگی، لزوم گشودن راه‌های علمی جدید به کمک ترجمه، و خیلی از عوامل دیگر که موضوعی برای پژوهش تجربی هستند می‌تواند موجب افزایش ترجمه متون باشد.

۵. نتیجه

ترجمه کتاب پدیده‌ای است که به جهات مختلف در جامعه امروز ایران و جهان حائز اهمیت است. ترجمه با اقتصاد نشر، ایجاد تحول در زبان مقصد، گسترش و نشر ایده‌های جدید در عرصه دانش، ایجاد یا بازتولید برخی هویت‌ها، سیاست مقاومت، ایجاد یا تقویت برخی ایدئولوژی‌ها، تغییر دادن سبک‌های زندگی و غیره ربط دارد. بی‌گمان وظیفه علوم انسانی و بالاخص علوم اجتماعی است که پژوهش درباره موضوعی به این اهمیت را در کانون توجه خود قرار دهند. در کلی‌ترین سطح می‌توان گفت علوم اجتماعی و خاصه جامعه‌شناسی باید طرحی برای پژوهش درباره دو سؤال داشته باشند:

۱. چگونه شرایط اجتماعی سبب شکل دادن به جریان ترجمه متون می‌شوند؟

۲. چگونه ترجمه متون تحولات اجتماعی را سبب می‌شوند؟

اما در این مقاله طرحی وسیع‌تر را پیش کشیدیم و سؤالاتی دقیق‌تر و جزئی‌تر مطرح کردیم. بر اساس آنچه گفته شد، جامعه‌شناسی ترجمه را شامل دو قسمت می‌دانیم: ۱- جامعه‌شناسی ترجمه توصیفی و ۲- جامعه‌شناسی ترجمه تحلیلی. نمودی از جامعه‌شناسی ترجمه توصیفی را به هنگام طرح مسئله نشان دادیم. این مطالعه توصیفی راجع است به بررسی فراوانی انواع ترجمه، و بررسی ارتباطات میان ترجمه‌ها و تألیفات یا هر نوع مطالعه دیگری که بر استخراج برخی نتایج بر مبنای داده‌های تجربی چاپ و نشر مبتنی باشد. اما جامعه‌شناسی ترجمه تحلیلی، تلاشی است برای پاسخ گفتن به سؤالاتی درباره:

۱. تأثیرات اجتماعی و فرهنگی ترجمه

۲. عوامل اجتماعی و فرهنگی موجب ترجمه

۳. ترجمه و بازتولید هویت‌ها، ایدئولوژی‌ها، مقاومت و پی‌آمدهای اجتماعی دیگر

۴. بررسی رابطه میان ساختارها و آرایش‌های نهادی ترجمه و شکل‌گیری فرایند ترجمه و

تولید متون ترجمه

۵. بررسی ساختار نهادی، مبانی ایدئولوژیک و شرایط اجتماعی علم و تأثیر آن بر ترجمه شدن

متون و میزان تأثیرگذاری این متون

جامعه‌شناسی ترجمه هم به مثابه دانشی کاربردی برای جهت دادن به روندهای ترجمه یا تدوین سیاست ترجمه و هم به منزله دانشی در خدمت بررسی تحولات فرهنگی جوامع حائز اهمیت است. جامعه‌شناسی ترجمه می‌تواند از منظری ایستا یا تحولی-تاریخی به ترجمه بنگرد و قابلیت آن را دارد که با روشی تطبیقی دنبال شود. بی‌گمان متون واحد در بسترهای اجتماعی مختلف تأثیرات متفاوتی برمی‌انگیزند و با انگیزه‌ها و علت‌های متفاوتی ترجمه می‌شوند. بررسی علل ترجمه متون واحد در بسترهای اجتماعی مختلف و تأثیراتی که برمی‌انگیزند، طرحی در راستای پژوهش تطبیقی در زمینه جامعه‌شناسی ترجمه است. در دنیایی که جهانی شدن فرهنگی بیش از پیش اهمیت می‌یابد، امپریالیسم فرهنگی فرضیه‌ای جدی است، و سخن از گفت‌وگو طرفدارانی پروپا قرص دارد، جامعه‌شناسی ترجمه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. به علاوه، جامعه‌شناسی ترجمه آن چنان که در اینجا طرحی از آن ارائه شد، می‌تواند علمی بارور باشد چرا که دانشی میان‌رشته‌ای است و به‌سان هر دانش میان‌رشته‌ای دیگری مصداق این گفته است که «وقتی علوم به بارورترین نقطه می‌رسند که درگیر کار میان‌رشته‌ای می‌شوند» (Gilbert & Doran, 1994). مجموعه‌ای از ایده‌های برگرفته از مطالعات ترجمه، جامعه‌شناسی فرهنگ و جامعه‌شناسی علم می‌توانند در کنار هم پژوهشی اساسی درباره یکی از مهم‌ترین پدیده‌های فرهنگی دنیای امروز را شکل دهند. از خلال چنین تلاشی شاید افق‌های روشن‌تری برای سیاست‌گذاری فرهنگی و شناخت تحولات فرهنگی جامعه حاصل شود.

منابع

حریری اکبری، محمد. (۱۳۸۰) «درآمدی بر برگردان فارسی». صص. ۲۲-۹. در رزاموند بیلینگتون، شیلا استرابریج، لنور گرین سایدز، و آنت فیتز سیمونز. فرهنگ و جامعه؛ جامعه‌شناسی فرهنگ.

ترجمه فریبا عزیدفتری. نشر قطره.

حسینی هاشم‌زاده، داود. (۱۳۸۱) بررسی کمی و کیفی وضعیت نشر کتاب در حوزه علوم اجتماعی بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۹. پژوهش انجام شده در: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۰) ممیزی کتاب: پژوهشی در ۱۴۰۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵. انتشارات کویر.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۱) «پژوهشی تجربی درباره ایدئولوژی و کنترل فرهنگ». نقد و بررسی کتاب ممیزی کتاب: پژوهشی در ۱۴۰۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵، نوشته احمد رجب‌زاده. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۵۱-۵۰.

واکوانت، لوثیک. (۱۳۷۹) «پیر بوردیو». صص. ۳۴۸-۳۲۵. در راب استونز. متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی، نشر مرکز.

Anheier, Helmut K., Gerhards, Jurgen. & Romo, Frank P. (1995) "Forms of capital and social structure in cultural fields: Examining Bourdieu's social topography". *American Journal of Sociology*, Vol. 100, No. 4, pp. 859-903.

Bourdieu, Pierre. (1984) *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Routledge,

Bourdieu, Pierre. (1977) *Outline of a Theory of Practice*. Cambridge University Press.

Cheung, Martha (2000). "Power and Ideology in Translation Research in Twentieth Century China: An Analysis of Three Seminal Works". *Paper presented in a seminar on Social and Ideological Contexts of Translation and Translation Research*.

Gilbert, Nigel & Doran, Jim. (1994) *Simulating Societies: The Computer Simulation of Social Phenomena*. University College of London.

- Gouanvic, Jean-Marc (1999). "A Model of Structuralist Constructivism in Translation Studies". Pp. 93-102. In T. Hermans (ed.) *Translation in Systems: Descriptive and System-oriented Approach Explained*. Manchester; St Jerome.
- Gouanvic, Jean-Marc (2000). "Legitimacy, Marronnage and The Power of Translation". Chapter 5 in Paul St-Pierre (eds.) & Sherry Simon (eds.). *Changing the Terms: Translating in Postcolonial Era*. University of Toronto Press.
- Hagstrom, Warren O. (1975) *The Scientific Community*. Arcturus Books.
- Heilbron, Johan (1999). "Towards a Sociology of Translation: Book Translation as a Cultural World-System". *European Journal Of Social Theory*, 2(4): 429-444.
- Holmes, James (2000). "The Names and Nature of Translation Studies". Pp. 172-185. In Venuti (2000).
- Mahar, Cheleen. (1990) "Pierre Bourdieu: The Intellectual Project". Pp. 26-57. In Richard Harker., Cheleen Mahar., Chris Wilkes (eds.) *An Introduction to Work of Pierre Bourdieu*. St. Martin's Press.
- Munday, Jeremy. (2001) *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. Routledge.
- Niranjana, Tejaswini. (1992) *Siting Translation: History, Post-Structuralism, and the Colonial Context*. University of California Press.
- Toury, Gideon (2000). "The Nature and Role of Norms in Translation". Pp. 198-212. In Venuti (2000).
- Venuti, Lawrence. (2000) *The Translation Studies Reader*. Routledge.
- Warde, Alan., Southerton, Dale.& Tomlinson, Mark. (2000) "Theories of practice and consumption: Prelude to an investigation of the diffusion of consumer culture". Paper for European Sociological Association Sociology of Consumption Working Group Conference, Bergen, August 2002.